



شماره حقوق

دوفصلنامه

دوره ۴ - شماره ۸ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

- ابعاد فقهی و جرم شناختی شرط بندی در فضای مجازی
ابوالفتح خالقی، سیمین فرخی نیا
- بررسی انتقادی رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به آثار حقوقی جدایی
مجمع الجزایر جاگوس از موريس در سال ۱۹۶۵
موسی عاقلی قاضیانی، محمد عاقلی قاضیانی
- واکاوی حقوقی تطبیقی نهاد وثیقه در پرتو قوانین ایران و انگلیس
حسین رحیمی خجسته، مرضیه فتحی برناجی
- رویکردی تطبیقی بر آثار ادغام شرکت‌های تجاری
افشین مجاهد
- تبیین ابعاد عدالت و اخلاق از منظر اصول چهارچوبی حقوق بین‌الملل اسلامی
نوروز کارگری، سجاد طیبی
- جایگاه جنایات جنسی در محاکم کیفری بین‌المللی
عباس پورهاشمی، سحر چوبین
- پاندمی کووید ۱۹ در پرتو حقوق همبستگی
سیدبهراد میرفخرایی
- آثار و جهات تجدیدنظرخواهی (پژوهش‌خواهی) از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه
سیدجعفر هاشمی باجگانی، افشین مجاهد
- سرمایه‌گذاری خارجی در حقوق موضوعه ایران و موانع بیش‌روی آن
محمدرضا پورپور
- شرط ضمان مطلق مستأجر در نگهداری از عین مستأجره در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران
فیروز احمدی، علی قائدرحمتی
- هشدار برای دانه درشت‌ها: مروری بر مهمترین نقش‌ها و رهاوردهای حقوق بین‌الملل
کیفری در نظم حقوقی بین‌المللی
محسن قدیر، موسی گرمی
- مطالعه تطبیقی آثار جرم اختلاس در حقوق ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی
محسن جعفری، فاطمه اسدی
- تعهد حسن‌نیت در قراردادهای حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، ابوالفضل سلیمان
- رویکردی تطبیقی بر قرارداد ارفاقی در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه
حسن رحیم زاده مبدی، افشین مجاهد
- آثار نفقه زوجه در حقوق ایران و فرانسه
مصطفی افضلی گروه
- مطالعه تطبیقی عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، غلامرضا ایزدپناه
- نقد و ارزیابی ضررهای فردی، اجتماعی و قضائی جرم‌انگاری در نظام کیفری ایران
رستم علی اکبری، امیر فرج بخش



A Comparative Study of Non-Influence with Relative Invalidity in Iranian and French Law

Abbas Karimi
Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Gholam Reza Izadpanah
PhD Student in Private Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

مطالعه تطبیقی عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه

عباس کریمی
استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
abkarimi@ut.ac.ir

غلامرضا ایزدپناه
دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

izadpanah.lawyer@yahoo.com
http://orcid.org/0000-00001-6890-834

Received:2021/04/15 -Review:2021/06/07 -Accepted:2021/08/24

Abstract

Non-influence is a situation in which a legal act has no full legal effect until it is enforced in some legal acts due to non-compliance with the legal requirements for validity. Invalidity is a situation in which a legal act, having this status in the world of law, is considered extinct and lacks legal existence and effect. According to Article 190 of the Civil Code, the absence of consent can be proposed as the main basis for non-influence in contracts, and in principle, any contract between the parties is valid and requires the parties to implement its provisions; if the contract is invalid for any other reason, it may be revoked or ineffective. Relative invalidity is also one of the guarantees of breaches of contract rules, which is a well-known legal entity in French law. Whereas in Iranian law, what is called relative invalidity is a kind of inability to rely on a contract, and this is important to protect certain persons (third parties), and to eliminate losses and repel it from these persons who enter into a contract in good faith. Given that part of the Iranian law is adapted from the French Civil Code in the General Rules of Contracts, some consider non-influence to be equivalent to a guarantee of relative invalidity in French law while examining the status of relative invalidity in French law shows that relative nullity is not the same as non-influence and the two guarantees of execution are completely different because in an impenetrable contract, the pre-null contract has no effect, while in relative nullity, the pre-null contract has legal effects and in French law in addition to relative invalidity, non-influence is also accepted, which indicates the difference between these two performance guarantees. The relative invalidity accepted in French law has a few instances in Iranian law as well, which are exceptionally included under some articles of commercial law.

Keywords: Non-Influence, Relative Invalidity, Absolute Invalidity, Contract, Beneficiary.

چکیده

عدم نفوذ وضعیتی است که در آن عمل حقوقی به علت عدم رعایت شرایط مقرر قانونی برای صحت، تا زمان تنفیذ در بعضی از اعمال حقوقی فاقد اثر کامل حقوقی است. بطلان، وضعیتی است که عمل حقوقی با داشتن این وضعیت در عالم حقوق، معدوم و فاقد وجود حقوقی و اثر تلقی می‌گردد. یکی از ضمانت‌های اجرای نقض قواعد مربوط به تشکیل قراردادها که در حقوق فرانسه به عنوان یک نهاد حقوقی معروف مطرح می‌باشد بطلان نسبی است. بر این اساس، آیا عدم نفوذ و بطلان نسبی یک ضمانت اجرا در قالب دو نام می‌باشند؟ در فرض تفاوت بین عدم نفوذ و بطلان نسبی، آیا در حقوق ایران مفهوم بطلان نسبی کاربردی دارد؟ به نظر می‌رسد در حقوق ایران آن چه به بطلان نسبی یاد می‌شود، نوعی عدم قابلیت استناد قراردادی بوده و این مهم برای حمایت از اشخاص معین (اشخاص ثالث) و رفع ضرر و دفع آن از این افراد که با حسن نیت اقدام به انعقاد قرارداد می‌نمایند مقرر گردیده است. برخی عدم نفوذ را معادل ضمانت اجرای بطلان نسبی در حقوق فرانسه می‌دانند، در حالی که با بررسی وضعیت بطلان نسبی در حقوق فرانسه مشخص می‌شود که بطلان نسبی با عدم نفوذ یکسان نبوده و دو ضمانت اجرای کاملاً متفاوت می‌باشند، زیرا در عقد غیرنافذ، عقد قبل از تنفیذ فاقد اثر است، در حالی که در بطلان نسبی، عقد پیش از بطلان دارای آثار قانونی می‌باشد و از سوی دیگر در حقوق فرانسه در کنار بطلان نسبی، عدم نفوذ نیز پذیرفته شده است که این خود مبین تفاوت میان دو ضمانت اجرا می‌باشد.

واژگان کلیدی: عدم نفوذ، بطلان نسبی، بطلان مطلق، قرارداد، ذینفع.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴

مقدمه

از مهم‌ترین مسائل حقوقی که امروزه انسان‌ها در روابط اجتماعی و حتی روابط خانوادگی خود با آن سروکار دارند قراردادهای مختلفی است که بین آن‌ها منعقد می‌گردد. حقوقدانان عقد غیرنافذ در حقوق ایران را، معادل بطلان نسبی پذیرفته شده در حقوق فرانسه می‌دانند که در آن وضعیت، قرارداد از ابتدا صحیح بوده و دارای اثر می‌باشد، اما به عللی که در قوانین پیش‌بینی شده است، قرارداد به وسیله یکی از طرفین قابل ابطال می‌باشد و ذینفع می‌تواند یا عقد را باطل نموده و آثار آن را از ابتدا زائل نماید و یا آن را تأیید کند که در این حالت، عقد به حیات خود ادامه می‌دهد. علت مقایسه عدم نفوذ در حقوق ایران با بطلان نسبی در حقوق فرانسه این است که از یک طرف، برخی قوانین ایران در باب قواعد عمومی قراردادها از قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است و از طرف دیگر این قوانین می‌بایست با مقررات فقه اسلام منطبق می‌بود. چون در حقوق اسلام مفهوم بطلان نسبی مورد پذیرش قرار نگرفته و مفهوم عدم نفوذ رایج بوده است، لذا تدوین کنندگان قانون مدنی که اکثر آن‌ها فقیه بوده‌اند، با الهام از مقررات حقوق فرانسه و فقه اسلام، عدم نفوذ را معادل بطلان نسبی در حقوق فرانسه قرار داده‌اند، در حالی که بطلان نسبی و عدم نفوذ اگرچه شباهت‌هایی دارند، لکن دو ضمانت اجرای کاملاً متفاوت می‌باشند. زیرا در عقد غیرنافذ، عقد قبل از تنفیذ یا رد فاقد اثر است، در حالی که در بطلان نسبی که از ضمانت اجرای رایج در اروپا بوده و جایگاه اصلی آن در حقوق فرانسه می‌باشد، اثر عقد به محض انعقاد به وجود می‌آید و در صورت درخواست ذینفع مبنی بر بطلان، آثار قرارداد به کلی زائل می‌شود. شیوه مطالعه در این پژوهش بدین صورت است که ابتدا، مفهوم و مصادیق عدم نفوذ و بطلان نسبی و سپس آثار آن را در حقوق ایران و فرانسه مورد بررسی قرار داده و در پایان به جمع‌بندی مطالب می‌پردازیم.

۱- مفهوم و مصادیق عدم نفوذ و بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه

۱-۱- مفهوم عدم نفوذ و بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه

در حقوق ایران، عدم نفوذ وضعیت ناقص عقدی است که فاقد رضای معتبر و در نتیجه فاقد اثری است که قانون برای آن عقد در صورت کامل بودن می‌شناسد و در صورت الحاق رضای معتبر، عقد کامل گشته و آثار خود را بر جای می‌گذارد. البته عدم نفوذ معنای عام‌تری دارد و می‌توان آن را به عدم نفوذ موقوف و عدم نفوذ مراعی تقسیم کرد و در تعریف آن گفت: عقد غیرنافذ، عقدی است که واجد ارکان اساسی عقد است، لیکن تأثیر آن منوط به کمال علت تامه عقد است. گاهی یکی از

شرایطی که در کنار موجب، تشکیل مقتضی می‌دهد وجود ندارد و از این جهت علت تامه کامل نیست (همانند عدم رضایت مالک و یا مکره) و گاهی مقتضی کامل است، لیکن وجود مانع (حق ثالث) از تأثیر عقد جلوگیری می‌کند. این تعریف نشان می‌دهد که اولاً عدم نفوذ اعم است از موقوف و مراعی و ثانیاً در عدم نفوذ موقوف، تأثیر عقد موقوف بر حصول شرط است، اما در عدم نفوذ مراعی عقد در حالت انتظار برای رفع مانع است (کریمی، ۱۳۹۱، ۱۶۰). در رابطه با بطلان قرارداد، ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی تعهدات فرانسه مصوب ۲۰۱۶ مقرر می‌دارد: «عقدی که فاقد شرایط لازم برای اعتبار باشد باطل است. بطلان باید توسط قاضی اعلام شود، مگر آن که طرفین قرارداد با رضایت مشترک آن را تأیید نمایند.» همچنین ماده ۱۱۷۹ قانون فوق مقرر می‌دارد: «بطلان مطلق است، چنانچه قانونی که نقض شده از زمره قوانین آمره برای حفظ نظم عمومی باشد. همچنین بطلان نسبی زمانی است که قاعده نقض شده برای حفظ منفعت خصوصی مقرر شده باشد.» (بزرگمهر و مهرانی، ۱۳۹۶، ۴۶).

لازم به ذکر است که ضمانت اجرای نقض نظم عمومی در حقوق ایران نیز بطلان مطلق است. ماده ۹۷۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به وسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد، اگرچه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.» در حقوق ایران همیشه اثر بطلان قرارداد، قهقرایی است و بطلان در حقوق ایران معادل بطلان مطلق در حقوق فرانسه است و بطلان نسبی در حقوق فرانسه هم معادل عدم نفوذ در حقوق ایران می‌باشد و به عبارتی دیگر، بطلان نسبی ضمانتی است که در نتیجه نقض بعضی از شرایط انعقاد قرارداد که به منظور حمایت از متعاملین وضع گردیده به وجود می‌آید و قانونگذار به فرد مورد حمایت که از آن وضعیت متضرر گردیده، حق ابطال قرارداد را داده است، به عبارت دیگر در بطلان نسبی که از آن به قابلیت ابطال عقد نیز یاد می‌شود، عقد بین طرفین واجد اثر حقوقی است، اما با وجود صحیح بودن این عقد و دارا بودن اثر بین متعاملین به یکی از طرفین قرارداد حق داده شده است که معامله را باطل کند و آن را از موجودیت بیندازد (امامی، ۱۳۸۶، ۳۶).

عقد باطل نسبی دارای دو مرحله است: در مرحله اول، عقد از وجود کامل قانونی برخوردار است و تمام آثار عقد صحیح را به دنبال دارد. در مرحله دوم، عقد ممکن است با اجازه ذینفع روبرو گردد که آثار عقد صحیح ادامه خواهد یافت یا با اعلام بطلان مواجه گردد که در این حالت، عقد با تمامی آثار به وجود آمده به طور قهقرایی از بین می‌رود و این ضمانت اجرا (بطلان نسبی) در حقوق فرانسه رایج می‌باشد و برای حمایت از یکی از طرفین قرارداد که ممکن است به عللی متضرر از بقای رابطه

قراردادی شود، مقرر گردیده است و مطابق آن فردی که از انعقاد قرارداد زیان می‌برد، می‌تواند عقد صحیحی که تشکیل شده است را تأیید نماید که آثار عقد صحیح ادامه خواهد داشت. در حقوق فرانسه در مواردی که توافق بین طرفین عقد حاصل شده است، اما اراده در اثر اشتباه یا اکراه انعقاد قراردادی نموده است، بطلان نسبی به کمک و یاری فرد ضعیف و ناتوان می‌آید و یکی از طرفین معامله که زیان می‌برد می‌تواند یا عقد را تأیید کند یا ابطال آن را اعلام کند. لازم به ذکر است این بطلان نسبی یا قابلیت ابطال قرارداد که در حقوق فرانسه به عنوان جایگاه اصلی این نهاد، ضمانت اجرای سبک عدم رعایت بعضی از شرایط مورد نظر قانونگذار است، در حقوق ایران نامتعارف بوده است و آن چه به عنوان بطلان نسبی در حقوق فرانسه شناسایی شده است، در حقوق ایران مصداقی ندارد. البته عده‌ای از حقوقدانان با تفسیر مقررات قانون تجارت، بطلان نسبی حاکم در حقوق فرانسه را به شکل خاص در مقررات تجاری قابل اعمال دانسته‌اند، مرحوم استاد دکتر کاتوزیان با بررسی قوانین و مقررات تجاری، نوعی بطلان نسبی را در حقوق ایران مورد شناسایی قرار داده است. ایشان در مواردی که قراردادی میان طرفین باطل است، اما نسبت به ثالث صحیح بوده یا قراردادی نسبت به طرفین صحیح اما در مقابل ثالث باطل است، نوعی بطلان نسبی را حاکم می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۳۰۵). منظور از بطلان نسبی، همان بطلان نسبی پذیرفته شده در نظام حقوقی فرانسه می‌باشد که اکثر حقوقدانان حقوق مدنی کشور ما آن را معادل عدم نفوذ در حقوق ایران می‌دانند (عدل، ۱۳۷۸، ۱۲۸). در حقوق فرانسه، بطلان نسبی وضع عمل حقوقی صحیح و نافذی است که ممکن است از سوی یکی از طرفین ابطال شود و اشاره به عملی دارد که «مرعی» میان صحت و بطلان است و با رد ذینفع، از روز نخست باطل می‌شود و با سکوت یا تأیید او نافذ می‌ماند (Flour, Aubert et savaux, 2002, 325-326). به عبارت دیگر وضعیتی است که قانونگذار برای نقض قواعد مربوط به حمایت از شخص یا اشخاص معینی در نظر گرفته و به همین جهت سرنوشت عقد را فقط در اختیار ایشان قرار داده و تا زمانی که ذینفع تعرضی نسبت به قرارداد نماید، قرارداد صحیح بوده و تمام آثار خود را بر جای می‌گذارد. اما اگر ابطال قرارداد به درخواست ذینفع (در مهلت مقرر) از سوی دادگاه تأیید شود، اصولاً جز در موارد استثنائی، قرارداد از ابتدا باطل گشته و آثار خود را از دست می‌دهد. بر این اساس، بطلان نسبی ضمانت اجرای قواعد حمایتی است که عمدتاً درصدد حمایت از منافع خصوصی یکی از دو طرف قرارداد و بعضاً حمایت از منافع خصوصی هر دو طرف یا حتی شخص ثالث می‌باشد و فقط اشخاص مورد حمایت، حق استناد به این بطلان را دارند (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹، ۲۴۸). یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بطلان نسبی،

نیازمندی به حکم دادگاه است که در این خصوص، هیچ تردیدی در حقوق فرانسه وجود ندارد (Mazeauds & Chabas, 1985, 222) (Marity & Reynaud, 1988, 300).

با توجه به مطالبی که ذکر شد مشخص می‌شود عدم نفوذ و بطلان نسبی از این جهت که در صورت رد (در عقد غیرنافذ) و ابطال (در عقد باطل نسبی) فاقد هرگونه اثری از ابتدا می‌باشند، مشابه بوده و علاوه بر آن، از جهت امکان تنفیذ و تأیید توسط ذینفع که شخص مورد حمایت قانونگذار می‌باشد به یکدیگر شبیه هستند، اما مهم‌ترین تفاوت این دو در این است که عقد باطل نسبی تا زمانی که توسط دادگاه به درخواست ذینفع ابطال نگردیده، دارای اعتبار بوده و کلیه آثار خود را به جای می‌گذارد. برعکس، عقد غیرنافذ پیش از تنفیذ هیچ اثر حقوقی ندارد. در حقوق ایران ضمانت اجرای عدم نفوذ به طور معمول در موردی به کار می‌رود که نقصان عقد به دلیل فقدان رضا معتبر می‌باشد (از قبیل معاملات اکراهی، فضولی و اشتباه) در حالی که بطلان نسبی مفهوم جدیدی است که از حقوق فرانسه اقتباس شده و قلمرو متفاوتی دارد (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹، ۲۵۷). در مجموع هرچند عدم نفوذ در حقوق ایران، از جهاتی شبیه بطلان نسبی در حقوق فرانسه است، اما باید دانست که تفاوت عقد غیرنافذ و بطلان نسبی در این است که در بطلان نسبی، عقد به صورت کامل به حیات خود ادامه می‌دهد، مگر این که ذینفع، ابطال آن را خواستار باشد، این در حالی است که عقد غیرنافذ معلق بوده و تا زمانی که ذینفع، عقد مزبور را اجاره یارد ننماید، عقد و قرارداد نمی‌تواند درست و دارای اثر حقوقی باشد (اسماعیلی، ۱۳۸۳، ۱۵).

۱-۲- مصادیق عدم نفوذ و بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه

همان طور که اشاره شد، عدم نفوذ ضمانت اجرایی است که از سوی مقنن در مورد عدم رعایت برخی از شرایط مربوط به انعقاد قراردادها در نظر گرفته شده است. بر این اساس، مصادیقی که برای عدم نفوذ در حقوق ایران می‌توان بیان نمود، به عنوان مثال در ماده ۱۹۹ قانون مدنی اشتباه و اکراه موجب عدم نفوذ قرارداد داشته شده است، زیرا در اکراه، قصد موجود و رضا معلول و معیوب است و علت عدم نفوذ نیز به جهت معلول و معیوب بودن رضا است. قانون به پیروی از فقها، صفت و رکن رضای هر یک از طرفین عقد را، به دو عنصر تجزیه و تحلیل نموده است و به جهت وجود قصد و معلول بودن رضا، عقد را غیرنافذ دانسته است. در مواردی که شخص بدون داشتن سمت، در مال دیگری دخالت می‌کند و معامله فضولی را منعقد می‌نماید، عقد غیرنافذ می‌باشد مگر این که صراحتاً انجام آن عمل به صورت فضولی از سوی قانونگذار نهی گردیده باشد. مثلاً به موجب ماده ۸۴۱ قانون مدنی وصیت به مال غیر باطل اعلام گردیده است، باطل است و نمی‌توان حکم راجع به معامله نسبت به

مال غیر را به وصیت به مال غیر سرایت داد. زیرا در بیع فضولی، با اجازه مالک، بیع به او تعلق خواهد داشت و او مستحق ثمن است ولی در مورد وصیت، وصیت متعلق به مالک مال نخواهد شد، وصیت نسبت به ماترک است، لذا نمی‌توان وصیت به مال غیر را ملحق به بیع فضولی نمود (حائری شاهباغ، ۱۳۸۲، ۷۴۳-۷۴۴).

نقص اهلیت یک طرف یا طرفین معامله نیز باعث عدم نفوذ قرارداد است. چنین معاملاتی با اجازه کسی که از طرف معامل قانونا به عنوان ولی یا به موجب حکم دادگاه قیم می‌باشد نافذ می‌گردد. مانند معاملات صغیر ممیز یا سفیه که با اجازه ولی یا سرپرست قانونی او نافذ می‌گردد. همچنین گاهی عقد غیرنافذ از نظر ساختمان حقوقی کامل است، ولی از حیث این که به وجود آمدن اثر آن به ضرر اشخاص ثالث است، اثر عقد متوقف و از این لحاظ ناقص است. مثل عقد وقفی که به زیان بستانکاران واقف منعقد می‌شود و بیش از تنفیذ آنان، عقد مؤثر نیست. این قسم از عقود غیرنافذ، غیرنافذ اعتباری نامیده می‌شوند. به عنوان مثال در ماده ۶۵ قانون مدنی صحت وقفی که به علت اضرار به دیان واقع شده منوط به اجازه دیان است، فلذا برای عدم نفوذ وقف طبق ماده ۶۵ قانون مدنی انگیزه واقف بایستی قصد ضرر رساندن به طلبکاران باشد. اما بهتر بود که مقنن حکم عدم نفوذ مقرر در این ماده را به طور کلی در مورد تصرفات واقف در اموالش بدون توجه به انگیزه واقف که آیا قصد ضرر رساندن به طلبکاران را دارد یا خیر، جاری می‌ساخت، زیرا اموال واقف پشتوانه پرداخت طلبش می‌باشد و وقف اموال آنان را از دسترس طلبکاران خارج کرده است. بنابراین به طور کلی صحت چنین وقفی به جهت رجحان حق طلبکاران، ولو به قصد اضرار به آن‌ها نباشد، بایستی متوقف بر تنفیذ از سوی آن‌ها می‌بود. مطابق ماده ۸۷۱ قانون مدنی هرگاه ورثه پیش از پرداخت دیون متوفی نسبت به اعیان ترکه تصرفاتی ناقل از قبیل فروش، صلح و هبه انجام دهند که از وثیقه عمومی طلبکاران می‌کاهد، معاملات آن‌ها غیرنافذ و منوط به تنفیذ از سوی طلبکاران می‌باشد. حکم عدم نفوذ در این ماده نیز به جهت حفظ حقوق اشخاص ثالث می‌باشد تا بدین وسیله اموالی که متعلق حق آن‌ها است حفظ گردیده و وراثت نتوانند تصرفاتی که مانع پرداخت دین مورث می‌گردد به عمل آورند. لذا معاملاتی که توسط ورثه در مجرای اداره ترکه صورت می‌گیرد، همانند تعمیر مالی از اعیان ترکه، بدون اجازه طلبکاران نافذ می‌باشد. با توجه به مصادیق قانونی می‌توان به طور کلی حکم عدم نفوذ را در تمامی مواردی که در معامله قصد انشاء وجود دارد، اما به حقوق اشخاص ثالث که دارای حق تقدم بر مورد معامله می‌باشند، آسیب وارد می‌شود جاری نمود و معامله نسبت به این اموال را غیرنافذ و نفوذ آن را منوط به تنفیذ قرار داد.

لازم به ذکر است که عدم نفوذ محدود به قراردادهای مالی نمی‌باشد و قلمرو گسترده دارد. مثلاً در مواردی که طبق قانون برای صحت قراردادهای خانوادگی اذن شخص خاصی لازم است، چنانچه فردی بدون اذن لازم اقدام به انجام آن عمل نماید، عمل وی غیرنافذ می‌باشد. به عنوان مثال حکم موجود در ماده ۱۰۴۹ قانون مدنی به منظور جلوگیری از هتک حرمت عمه یا خاله وضع گردیده است و یا در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع خارجی وجود ندارد موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت گردیده است. علاوه بر مواردی که مطرح شد، حکم عدم نفوذ نه تنها در عقودی که اراده معیوب است جاری می‌گردد، بلکه قابل تسری به ایقاعات هم می‌باشد.

مبنای عدم نفوذ ناشی از اکراه که عیب رضای مکره است و این که قصد او به رضای سالم تکیه ندارد، در ایقاع نیز جریان دارد و ایقاع ناشی از اکراه نفوذ حقوقی ندارد. حکم عقد اکراهی، در ایقاع ناشی از اکراه نیز جریان دارد. اکراه که سالب اراده است بدون هیچ تفاوتی در عقد و ایقاعات به طور یکسان مورد توجه واقع می‌شود و ایقاع ناشی از اکراه غیرنافذ و با رضا و تنفیذ بعدی مکره نفوذ حقوقی دارد. البته اجرای حکم عدم نفوذ در ایقاع ناشی از اکراه در پاره‌ای از موارد همانند طلاق درست نمی‌باشد، زیرا آثار نامطلوبی در اجتماع دارد. بنابراین اکراه در ایقاعات نیز موجب عدم نفوذ است و امضای بعدی مکره موجب نفوذ عمل حقوقی می‌گردد، مگر این که اجرای این قاعده با طبیعت عمل حقوقی همانند طلاق ناسازگار باشد. حکم عدم نفوذ در ایقاعات فضولی نیز جریان دارد. قواعد عمومی قراردادها قواعد عمومی اعمال حقوقی است. لذا قاعده فضولی مانند سایر قواعد در کلیه اعمال حقوقی جریان دارد و معامله فضولی اعم از عقد یا ایقاع فضولی است.

در بطلان نسبی، حمایت از طرف معامله که رضایت وی معیوب بوده یا قانوناً نامعتبر می‌باشد، موجب گردیده که سرنوشت عقد به دست او باشد. وی می‌تواند عقد را ابطال کند که در این صورت عقد از ابتدا فاقد اثر است یا از ابطال صرفنظر کند که آثار قانونی عقد جریان دارد. در رابطه با مصادیق بطلان نسبی در حقوق فرانسه که جایگاه اصلی ضمانت اجرای بطلان نسبی می‌باشد مطابق ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی تعهدات فرانسه مصوب ۲۰۱۶، «عیب رضا دلیل بطلان نسبی قرارداد می‌باشد.» ضمانت اجرای اشتباه در حقوق فرانسه بطلان نسبی است که در برخی موارد و تحت شرایطی قابلیت تنفیذ توسط طرف را دارد، اما در این که ضمانت اجرای اشتباه در حقوق ایران، عدم نفوذ و یا بطلان است اختلاف وجود دارد. برخی مواد، عدم نفوذ را تصریح می‌کنند مانند ماده ۱۹۹ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه، موجب نفوذ معامله نیست.» این در حالی است که برخی مواد بر باطل

بودن عقد دلالت دارند، نظیر ماده ۷۶۲ قانون مدنی که اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد صلح باطل است. توجیهاتی نظیر تخصیص ماده ۱۹۹ توسط ماده ۷۶۲ نیز چندان موجه نیست، زیرا خصوصیتی در اشتباه واقع در عقد صلح موجود نمی‌باشد که موجب بطلان این عقد شود، اما اشتباه در سایر عقود دارای خصوصیات دیگری بوده که موجب عدم نفوذ باشند (بزرگمهر و مهرانی، ۱۳۹۶، ۳۴).

به طور کلی در حقوق فرانسه در تمامی مواردی که حمایت از منافع خصوصی افراد مطرح می‌باشد ضمانت بطلان نسبی پذیرفته شده است. به عنوان مثال در قراردادی که تحت تاثیر اشتباه، اکراه و تدلیس بسته می‌شود، علیرغم انعقاد قرارداد چون رضای افراد بر اثر بروز این عوامل معیوب گشته است به جهت حمایت از آن‌ها عقد قابل ابطال می‌باشد، یا در مواردی که رضای افراد بر اثر عدم اهلیت از دید مقنن نامعتبر می‌باشد، قرارداد تشکیل شده قابل ابطال می‌باشد (نعمت‌اللهی اردستانی، ۱۳۸۸، ۴۰). البته در حکم تدلیس، هم مقنن ایرانی و فرانسوی راه یکسانی نرفته‌اند، به طوری که ضمانت اجرای تدلیس در حقوق فرانسه بطلان نسبی است و در حقوق ایران حق فسخ عقد است. وفق ماده ۴۳۹ قانون مدنی، اگر بایع تدلیس نموده باشد مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت و همچنین است بایع نسبت به ثمن شخصی در صورت تدلیس مشتری. مصداق دیگری را که برای بطلان نسبی در حقوق فرانسه می‌توان بیان نمود در رابطه با خیار غبن است که در حقوق فرانسه در برخی از معاملات سبب بطلان نسبی می‌باشد و صرفاً در بعضی از اعمال حقوقی، قانون اجازه داده است که مغبون بتواند معامله را فسخ نماید. مثلاً تقسیم مال مشترک (ماده ۸۸۷ ق.م.ف) یا بیع اختیاری اموال غیرمنقول (ماده ۱۶۷۴ ق.م.ف) یا در معاملات شخص صغیر در صورتی که وی معامله‌ای بنماید و در آن مغبون گردد که مغبون می‌تواند در این موارد، انحلال عقد را از دادگاه درخواست نماید. این در حالی است که در حقوق ایران، محدودیتی برای اعمال غبن در قراردادها نمی‌باشد و در کلیه عقود معوض، چنانچه بین قیمت واقعی و قیمت حین معامله تفاوت فاحش باشد مغبون حق فسخ قرارداد را دارد. علاوه بر مواردی که بیان شد، می‌توان به ماده ۱۳۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ اشاره نمود که بطلان نسبی (قابلیت ابطال) را به عنوان ضمانت اجرای ممنوعیت معاملات مدیران شرکت سهامی با شرکت مطرح نموده است. در تأیید نسبی بودن بطلان مذکور در ماده اخیر علاوه بر استفاده قانونگذار از کلمه «قابل ابطال»، باید به لزوم درخواست بطلان معامله از دادگاه صلاحیتدار و نیز مرور زمان کوتاه مدت سه سال و همچنین اختصاص این دعوا به شرکت که قانونگذار درصدد حمایت از آن بوده و نه طرف قرارداد، توجه نمود (قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۰، ۴۰۷).

۲ - آثار عدم نفوذ و بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه

عقد غیرنافذ که به علت عدم رعایت شرایط مقرر قانونی ناقص است، قابل تنفیذ توسط ذینفع می‌باشد، اما قبل از تنفیذ نمی‌توان آن را به طور مطلق، فاقد اثر قانونی دانست. اگرچه این عقود دارای نقصی هستند که بایستی برطرف شوند تا قابلیت نفوذ را به دست آورند. اما در حالت عدم نفوذ نیز عقد دارای آثاری می‌باشد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، به طوری که آثار ایجاد شده از عقد، غیرنافذ است که طرفین را ملتزم به مفاد آن می‌نماید، یا حتی در صورت فوت یکی از طرفین پیش از تنفیذ حق وی را به وراثت منتقل می‌نماید، در حالی که در قراردادهایی که با ضمانت بطلان نسبی مواجه هستند، پیش از تقاضای بطلان، عقد صحیح و طرفین ملتزم به مفاد آن می‌باشند. این التزام از سوی فردی که حق ابطال قرارداد را ندارد کامل می‌باشد و صرفاً طرف دیگر از قرارداد که مورد حمایت قرار گرفته می‌تواند به بطلان استناد نموده و از اجرای مفاد قرارداد امتناع نماید. علاوه بر این پیش از تنفیذ عقد غیرنافذ، طرفین ملتزم به عقد هم می‌باشند. این التزام از سوی اصیل در عقد فضولی و از سوی غیرمکره در عقدی که تحت اکراه منعقد شده است، علیرغم این که هنوز مالک یا مکره عقد را تنفیذ یا رد ننموده، کامل می‌باشد. در حقوق ایران لزوم پابندی اصیل در معاملات فضولی با توجه به مفهوم مخالف ماده ۲۵۲ قانون مدنی «اگر تأخیر موجب تضرر طرف اصیل باشد مشارالیه می‌تواند معامله را بر هم زند.» بدیهی است. در مواردی ممکن است که ذینفع به جای تنفیذ، عقد غیرنافذ را رد کند، رد عقد غیرنافذ از سوی او، همانند ابطال قرارداد از سوی ذینفع در بطلان نسبی، سبب نابودی عقد است. عقدی که رد می‌شود، دیگر قابلیت اجازه نخواهد داشت، زیرا با وجود رد، قراردادی نیست تا اجازه شود. رد عقد موجب زوال قابلیت انضمام رضا به عقد برای معتبر شدن آن می‌شود به گونه ای که ماهیت ناقص و بی جان عقد را از بین می‌برد و دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند که بتواند بعداً معتبر شود (نعمت‌اللهی اردستانی، ۱۳۸۸، ۱۶۳).

به عنوان مثال در عقودی که به جهت حفظ حقوق طلبکاران غیرنافذ می‌باشد، در صورت رد عقد از سوی طلبکار، معامله از ابتدا فاقد اثر می‌باشد و قابلیت تنفیذ را ندارد. مثلاً صحت وقفی که به علت اضرار به دیان واقع شده، منوط به اجازه طلبکاران می‌باشد و در صورتی که طلبکاران چنین وقفی را تنفیذ نمایند، وقف از ابتدا بلااثر بوده، به گونه ای که مال موقوفه به دارایی واقف برمی‌گردد تا پشتوانه پرداخت طلب طلبکاران باشد. یا رد مالک در بیع فضولی، سبب بی اعتباری عقد از ابتدا می‌باشد و نشان می‌دهد که مالک طرحی را که بیگانه درباره انتقال یا تصرف در اموال او ریخته نپذیرفته و در

نتیجه عین مال به ملکیت مالک باقی می‌ماند. در صورت رد عقد فضولی، دوطرف عقد در حکم غاصبی هستند که نه تنها مکلف به بازگرداندن مال به صاحب آن می‌باشند، بلکه مسئول هر نقص و عیبی هستند که بر عین یا منافع آن مال وارد آمده است (ماده ۲۵۹ قانون مدنی^۱). چنانچه مالک معامله فضولی را تنفیذ نماید، خریدار همچون غاصب بوده و احکام حقوقی ناظر بر وضعیت غاصب در مورد او مجری می‌باشد. در صورت رد معامله فضولی، خریدار فروشنده هیچ حقی بر ثمن ندارد، یا در صورت اجازه باید آن را به مالک بدهد یا به خریدار بازگرداند و در صورتی که ثمن معامله باقی نیست، بدل آن را از بایع فضولی بخواهد. اما چنانچه خریدار جاهل بوده است و به گمان این که بایع فضولی مالک است اقدام به معامله نماید و بعد کشف شود که معامله فضولی بوده است و مالک اجازه نکند، در این صورت خریدار برای جبران خسارت وارده می‌تواند به فروشنده فضولی مراجعه نماید، زیرا تحمل خسارت توسط فروشنده مستند به قاعده «المغرور یرجع الی من غره» می‌باشد که از مسلمات فقهی است و هر فردی در خسارات وارده می‌تواند به غار رجوع کند. بنابراین خریدار نیز می‌تواند به فروشنده ای که وی را فریب داده برای جبران غرامات وارده رجوع نماید. این قاعده در کلیه عقود غیرنافذ جاری می‌گردد و چنانچه عقد تنفیذ نشده باشد، شخصی که مورد معامله را تحویل گرفته ضامن عین و منافع آن می‌باشد و در حکم غاصب است.

در بطلان نسبی، قرارداد مادامی که از سوی ذینفع مورد اعتراض و ایراد قرار نگرفته معتبر و دارای کلیه آثار قانونی می‌باشد. برخلاف قراردادهای غیرنافذ که فاقد اثر می‌باشند و مادامی که تنفیذ یا رد نشده‌اند، هیچ گونه اثری ندارند. اما علیرغم صحت قرارداد، عقد به جهت حمایت از منافع خصوصی فرد طرف قرارداد، نسبت به یکی از متعاقدين صحیح و نسبت به طرف دیگر قابل ابطال می‌باشد و شخصی که این نهاد به جهت حمایت از حقوق وی وضع گردیده، حق مطالبه ابطال عقد را دارد، اما قبل از تقاضای ابطال به جهت صحت قرارداد، طرفین نمی‌توانند از زیر بار تعهدات قراردادی رهائی یابند. وقتی شخصی که قانون از او حمایت می‌کند نمی‌تواند پیش از اعلام بطلان، چنین عقدهای را باطل قلمداد کند و طرف دیگر نیز نمی‌تواند به جهت این که عقد زمینه ساز ایجاد ضرر برای طرف دیگر قرارداد است و ممکن است در آینده باطل گردد آن را باطل دانسته و از زیر بار تعهدات شانه خالی کند. چنین عقدهای صحیح بوده و در برابر ثالث نیز قابل استناد است. اشخاص ثالث نیز نمی‌توانند مدعی

۱- ماده ۲۵۹- هر معامل فضولی مالی را که موضوع معامله بوده است به تصرف متعامل داده باشد و مالک آن معامله را اجازه نکند متصرف عین و منافع است.

بطلان شده و وجود قرارداد را انکار کنند. برخلاف عقد غیرنافذ که پیش از تنفیذ توسط ذینفع فاقد اثر بوده، لذا در برابر شخص ثالث نیز اعتبار نداشته و قابل استناد نمی‌باشد. فرد ذینفعی که حق مطالبه ابطال عقد را دارد می‌تواند قرارداد را به حال خود واگذار نموده تا به حیات خویش ادامه دهد. در این حالت عقدی که قابلیت ابطال را دارد از ابتدا نافذ بوده و همه آثار قرارداد درست را به همراه دارد. وی می‌تواند از ضرری که به او رسیده چشم‌پوشی نماید و قرارداد قابل ابطال را به جهت این که نفع یا ضرر ناشی از ابطال و یا عدم بطلان متوجه خود اوست تأیید نماید (نعمت‌اللهی اردستانی، ۱۳۸۸، ۱۶۶).

در بطلان نسبی، علیرغم این که، قرارداد برخلاف عقد غیرنافذ بین طرفین واجد اثر حقوقی می‌باشد، اما با این حال فردی که به جهت حفظ حقوق وی قابلیت ابطال عقد وضع گردیده، می‌تواند از تأثیر و نفوذ چنین عمل حقوقی جلوگیری نموده و بطلان قرارداد را مطرح نماید. در صورت ادعای بطلان علیرغم این که عقد از ابتدا به صورت صحیح منعقد شده است، قرارداد به طور کلی فاقد اثر می‌باشد، لذا اگر عقدی که دچار بطلان می‌شود و بیع باشد مشتری میباید به بائع و او ثمن را به مشتری رد می‌کند. بنابراین شخصی که حق ابطال عقد را دارد، صرفاً یکی از طرفین قرارداد است که می‌تواند بطلان قرارداد را اعلام نماید. به عنوان مثال کسی که در حین انعقاد قرارداد دچار اشتباه شده و همچنین صغیری که با وجود عدم اهلیت مبادرت به انعقاد عقد نموده از جمله کسانی هستند که می‌توانند از بطلان نسبی استفاده نمایند. اشخاص خارج از قرارداد و طرف دیگر نمی‌توانند به این بطلان استناد نموده و مدعی گردند که وجود قرارداد با نفع شخصی آن‌ها منافات دارد. چرا که این نهادها تنها برای حمایت از حقوق یکی از طرفین قرارداد وضع شده است و آن‌ها در هر صورت تابع اراده طرف قرارداد می‌باشند تا تصمیم خود را مبنی بر به هم زدن قرار داد یا نگهداری آن اعلام نمایند. دادگاه نیز نمی‌تواند چنین عقدی را از پیش خود و بدون آن که طرف ذینفع قرارداد بخواهد ابطال کند، در حالی که در عقد نافذ این طور نیست و عقد پیش از اجازه در حکم باطل است و اشخاص می‌توانند به این بطلان استناد نمایند. همچنین ابطال عقد که بستگی به اراده یکی از طرفین قرارداد دارد، طبق یک نظر، نیز به حکم محکمه نیاز داشته و به هیچ وجه عقدی خود به خود باطل نمی‌شود، زیرا بر مبنای اصل صحت، قراردادها نافذ بوده و عقد ظاهری به وجود آمده است. بنابراین عقد بایستی به وسیله حکم دادگاه از بین برود تا جامعه حقوقی از این ابطال به نحو قانونی مطلع شود، لذا حکم دادگاه بطلان را آشکار می‌کند، مگر در موارد استثنائی که طرفین واقف بر بطلان بوده و به تراضی وضع ظاهری موجود را از بین می‌برند (طباطبایی، ۱۳۳۱، ۴۶). حتی در مواردی که بنا بر درخواست ذینفع حکم محکمه مبنی بر بطلان قرارداد صادر می‌گردد، این بطلان در مقابل اشخاص ثالث نیز قابل استناد

می‌باشد، زیرا بعد از بطلان عقد، قراردادی که باطل می‌شود، دیگر موجودیتی ندارد، فلذا اشخاص ثالث نیز می‌توانند به این بطلان استناد نمایند. در حقوق فرانسه در رابطه با آثار بطلان نسبی که از مهم‌ترین این آثار، ویژگی عطف به ماسبق شونده آن و زمانی است که دادگاه حکم به بطلان قرارداد می‌دهد، که نه تنها آثارش را نسبت به آینده از دست می‌دهد، بلکه اثر بطلان به گذشته نیز سرایت نموده و قرارداد را از ابتدا فاقد هرگونه اثری می‌نماید. این اثر در فرضی که قرارداد اجرا نشده، هیچ نمودی ندارد، اما هنگامی که بطلان پس از اجرای قرارداد مطرح می‌شود، معنا پیدا می‌کند و در این فرض باید وضع اشیاء به حالت پیش از قرارداد بازگردد، به گونه‌ای که گویا اصلاً چنین قراردادی وجود نداشته است (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹، ۲۵۹). البته اصولاً بطلان نسبت به همگان مؤثر بوده و حتی تأثیر آن نسبت به اشخاص ثالث نیز مطابق قاعده است و نمی‌توان ضمن قیاس آثار بطلان قرارداد با آثار مستقیم قرارداد صحیح، قاعده اثر نسبی را در مورد بطلان نیز جاری ساخت. چون برخلاف قرارداد صحیح، بطلان اثر ایجابی ندارد. لازم به ذکر است که نتیجه عطف به ماسبق شدن بطلان در خصوص روابط دوطرف قرارداد این است که هر یک از طرفین حق دارند آن چیزی را که داده‌اند مسترد نمایند، زیرا با اجرای اثر قهقرایی بطلان، پرداخت‌های انجام شده، ایفاء ناروا بوده و اصولاً استرداد باید بر اساس قواعد نهاد حقوقی مزبور صورت پذیرد.

نتیجه

با مطالعه تطبیقی که در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه به عمل آمد ملاحظه شد، در حقوق ایران بطلان نسبی وجود ندارد و معادل آن تقریباً عدم نفوذ است و ضمانت اجرای عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق فرانسه نیز از یکدیگر متفاوت بوده، به طوری که در عقد غیرنافذ، عقد پیش از تنفیذ فاقد اثر است، در حالی که در بطلان نسبی عقد قبل از اعلام بطلان، از ابتدا دارای آثار قانونی بوده است. در عقد غیرنافذ در حقوق ایران عیوب رضا موجب عدم نفوذ عقد است و آن در موارد اشتباه، اکراه، عدم اهلیت در صغار ممیز و سفیه و معاملات فضولی یا به جهت حفظ حقوق اشخاص همانند طلبکاران و یا وراثت، معامله نسبت به اموال با عدم نفوذ مواجه است. در حالی که در حقوق فرانسه عقود که دارای آثار قانونی می‌باشند به خاطر عیوب اراده قابل ابطال بوده و سبب این عیوب، اکراه و عدم اهلیت در کلیه محجورین حتی صغار غیرممیز و مجانین، تدلیس، غبن و معامله فضولی می‌باشد، لذا ضمانت اجرای بطلان نسبی در این موارد قابل اعمال است. به عبارت دیگر بطلان در حقوق ایران همانند بطلان مطلق در حقوق فرانسه و بطلان نسبی در حقوق فرانسه همانند عدم نفوذ در حقوق ایران می‌باشد و این

دو مورد همیشه یکسان نیستند، زیرا در حقوق فرانسه بر این عقیده‌اند که عیوب رضا، همیشه بطلان نسبی است و آن را برای نفع افراد وضع کردند. به عنوان مثال در حقوق ایران ضمانت اجرای اشتباه، اکراه و تدلیس به ترتیب عبارت است از بطلان مطلق، عدم نفوذ و صحیح. در حالی که هر سه مورد فوق‌الذکر در حقوق فرانسه (اشتباه، اکراه و تدلیس) بطلان نسبی می‌باشد و این بطلان بر طبق ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی فرانسه می‌تواند با تنفیذ اصلاح شود. در حالی که بطلان مطلق نمی‌تواند با تنفیذ اصلاح شود و طبق ماده ۱۱۷۸ همین قانون، هرگاه قراردادی باطل شد فرض می‌شود که هیچ‌گاه وجود نداشته و اثر حکم دادگاه قهقرایی است. البته در حقوق ایران هم همیشه در بحث بطلان، اثر آن قهقرایی است. از سوی دیگر در حقوق فرانسه در کنار بطلان نسبی، در فرضی که طرفین ضمن قرارداد، تعهدی را به نفع ثالث قرار می‌دهند و یکی از متعاملین متعهد می‌گردد قبولی شخص ثالث را اخذ نماید، عدم نفوذ پذیرفته شده است که این امر نیز مبین تفاوت بین عدم نفوذ و بطلان نسبی می‌باشد و نشان می‌دهد که عدم نفوذ و بطلان نسبی دو ضمانت اجرای کاملاً متفاوت می‌باشند. به طور کلی، بطلان نسبی که ضمانت اجرای قابل اعمال در حقوق فرانسه می‌باشد در حقوق ایران پیش‌بینی نشده است، اما به صورت موردی و استثنایی می‌توان مصادیقی از آن را در بعضی مواد قانونی از جمله ماده ۱۳۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و یا ماده ۱۷۹^۲ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ مشاهده کرد. بنابراین، بطلان نسبی مفهومی صددرصد بیگانه و نامأنوس در حقوق ایران نیست و مصادیق آن به صورت کاملاً استثنائی در قوانین موضوعه کشور ما وارد شده است. آن چه به عنوان

۱- ماده ۱۳۱- در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیأت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آن‌ها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می‌تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. لیکن در هر حال مسئولیت مدیر و مدیران و یا مدیر عامل ذینفع در مقابل شرکت باقی خواهد بود. تصمیم به درخواست بطلان معامله با مجمع عمومی عادی صاحبان سهام است که پس از استماع گزارش بازرس مشعر بر عدم رعایت تشریفات لازم جهت انجام معامله در این مورد رأی خواهد داد. مدیر یا مدیرعامل ذینفع در معامله حق شرکت در رأی نخواهد داشت. مجمع عمومی مذکور در این ماده به دعوت هیأت مدیره یا بازرس شرکت تشکیل خواهد شد.

۲- ماده ۱۷۹- امکان تغییر یا فسخ قرارداد و کمک و نجات. هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرائط آن به تشخیص دادگاه غیرعادلانه باشد ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین به وسیله دادگاه باطل و یا تغییر داده شود. در کلیه موارد چنانچه ثابت شود رضایت یکی از طرفین قرارداد بر اثر حيله یا خدعه یا اغفال جلب شده است و یا اجرت مذکور در قرارداد ذکر شده به نسبت خدمت انجام یافته فوق‌العاده زیاد و یا کم است دادگاه می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین قرار را تغییر داده و یا بطلان آن را اعلام نماید.

بطلان نسبی در حقوق ایران شهرت یافته، چیزی جز عدم قابلیت استناد قراردادی نیست و در بسیاری از موارد وضعیت ثالث پس از اعلام این مهم، روشن نبوده لذا به نظر می‌رسد قانونگذار باید در هر مورد که مایل است قرارداد را صحیح و معتبر در قلمرو رابطه طرفین بداند و آن را نسبت به ثالث باطل اعلام کند، حداقل حقوق و تکالیف ثالث را نیز روشن نماید.

منابع

فارسی

- امامی، حسن، ۱۳۸۶، **حقوق مدنی**، جلد چهارم، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات اسلامی.
- اسماعیلی، مهدی، ۱۳۸۳، بررسی تطبیقی نظریه بطلان قراردادها در حقوق ایران و فرانسه، **مجله گواہ**، شماره ۱.
- بزرگمهر، امیرعباس و مهرانی، غزل، ۱۳۹۶، **اصلاحات در قانون تعهدات فرانسه**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه عدالت.
- حائری شاهیباغ، علی، ۱۳۸۲، **شرح قانون مدنی**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- طباطبایی، علی محمد، ۱۳۳۱، بطلان، انحلال و فسخ عقد، **مجله کانون و کلاء**، دوره اول، شماره ۲۹.
- عدل، مصطفی، ۱۳۷۸، **حقوق مدنی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات طه.
- قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی و محسنی، سعید، ۱۳۹۰، قلمرو بطلان نسبی، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۳۴.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، **قواعد عمومی قراردادها**، ج ۲، چاپ هفتم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کریمی، عباس، ۱۳۹۱، تلاشی برای ساماندهی نظریه عدم نفوذ مراعی، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۵۸.
- محسنی، سعید و قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی، ۱۳۸۹، مفهوم و آثار بطلان نسبی، **مجله دانش و توسعه**، شماره ۳۳.
- نعمت‌اللهی اردستانی، ریحانه، ۱۳۸۸، **بررسی وضعیت عدم نفوذ در اعمال حقوقی و مقایسه آن با بطلان نسبی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

لاتین

- Flour, J., Aubert, J. L., & Savaux, E. 2002. Les obligation, L acte juridique. In A.colin & delta (Eds.), (2ed.). Paris.
- Marity, G., & Raynaud, P.1988. Droit Civil, Les obligations (2ed. Vol.1) Paris: Sirey
- Mazeauds, H.L.e.j., & chabas, F.1985. Lecons de Droit civil (7ed.vol.2). paris: Editions Montchrestien.

قوانین

- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷
- قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳
- لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷
- قانون مدنی تعهدات فرانسه مصوب ۲۰۱۶

legal Civilization

Biannual

No.8/Spring & Summer 2021

Jurisprudential and Criminological Aspects of Betting in Cyberspace

Abolfath KHaleghi, Simin Farrokhi Nia

A Critical Review of the Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965

Moosa Akefi Ghaziani, Mohammad Akefi Ghaziani

Comparative Legal Analysis of the Collateral in the Light of the Anglo-Iranian Laws

Hossain Rahimi Khojasteh, Marziyeh Fathi Bornaji

Comparative Approach to the Effects of Mergers on Commercial Companies

Afshin Mojahed

Explaining the Dimensions of Justice and Ethics from the Perspective of the Principles of the Framework of Islamic International Law

Nourooz Kargari, Sajad Tayebi

The Place of Sexual Crimes in International Criminal Courts

Abbas Por Hashemi, Sahar CHoobin

Covid-19 Pandemic in the Light of Solidarity Rights

Sayyed Behrad Mirfakhraei

Effects and Aspects of Appeal (Research) from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian Law and French

Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Afshin Mojahed

Foreign Investment in Iranian Subject law and the Obstacles Facing it

Mohammad Reza Burbur

the Condition of the Absolute Guarantee of the Tenant in Keeping the Same Tenant in Imami Jurisprudence and Civil law of Iran

Firooz Ahmadi, Ali Qaed Rahmati

A Warning for the Big Fish: A Review of the Most Significant Roles and Achievements of International Criminal Law in International Legal Order

Mohsen Ghadir, Mousa Karami

A Comparative Study of the Crime of Embezzlement in Iranian and British Law with a Look at International Documents

Mohsen Jafari, Fateme Asadi

Religious Pluralism in Iranian Criminal Code

Abbas Karimi, Abalfazl Salimian

A Comparative Approach to the Scheme of Arrangement in Iranian, British and French Law

Hasan Rahim Zade Meybodi, Afshin Mojahed

Effects of Wife Alimony in Iranian and French Law

Mostafa Afzali Goroh

A Comparative Study of Non-Influence with Relative Invalidity in Iranian and French Law

Abbas Karimi, Gholam Reza Izadpanah

Critique and Evaluation of Personal, Social and Judicial Harms of Criminalization in the Iranian Penal System

Rostam Ali Akbari, Amir Faraj Bakhsh